

احکام خان اول اگر کسی ازین وجاه پرسد و ابتدای کار شخصی و از خود
 خود و عزت و رفعت سؤال کند و گوید از برای من هر چه از کرامت
 بر تبه اهل خواهد رسید و تن و جان من بخوبی گردد یا نه برین
 بیانات یافتیم کرد اینک ازین رهن و حکم کرده اند نموده می
 شود و رهن نیست فقط آتش را ازین رهن بیالایم
 بجهت امد و بفرستند الحار و نفعی
 شد و باز بجهت بیوستن از چهارم به بیستم
 در حین که در چهارم بود مطلوب خود را
 که آتش قبض الحار است درد و مزه م دید در شفای بیستی
 و چو به بیستم استنباط شود که آتش لقی الحار است
 در و تالوت خود دید در نهایت اهل یعنی در سیزدهم خود دید
 ازین دو مطلوب یکی در بیستی و یکی در بلندی انتقال شد که سؤال
 سائل اینست که از هر تبه ادنی بجهت اهل می رسد یا نه و بفرستند
 سیزدهم که گواه اولت و اول تن و جان و ابتدای امور است سوال
 ازینها تواند بود سائل گفت آری ازین مجموع سؤال دارم
 بعد از آن فقط خاک عقل را که فقط حکم است را ندیم بسیزدهم
 امد و از سیزدهم بدیم و از دهم بیستم یا انکیس بیوست در
 در خانه مائل و از مجامع حرکت کرد و دوم به طریق بیوست و از
 طریق عقل بیوست در اول و تالوت خود چو فقط از خانه

غایبانه خاک ماضی	غایبانه خاک ماضی	خاک غایبانه ماضی	خاک غایبانه ماضی
حال باد مستقبل	حال باد مستقبل	حال باد مستقبل	حال باد مستقبل
غایبانه آتش	غایبانه آتش	غایبانه آتش	غایبانه آتش
حال باد مستقبل	حال باد مستقبل	حال باد مستقبل	حال باد مستقبل
غایبانه آتش	غایبانه آتش	غایبانه آتش	غایبانه آتش
حال باد مستقبل	حال باد مستقبل	حال باد مستقبل	حال باد مستقبل
غایبانه آتش	غایبانه آتش	غایبانه آتش	غایبانه آتش
حال باد مستقبل	حال باد مستقبل	حال باد مستقبل	حال باد مستقبل